

دوست دارم متفاوت بپوشم!



شاید شما هم وقتی سن‌تان کمتر بود و بیشتر وقت‌تان را با تماشای کارتون‌های کودکانه یا گوش دادن به برنامه‌های رادیویی مخصوص بچه‌ها می‌گذرانید، بارها از زبان مجری برنامه یا شخصیت‌های مختلف کارتونی شنیده بودید «نوع لباس نشانه شخصیت افراد نیست!»، «لباس برای انسان ارزش و احترام نمی‌آورد» و...

جام جم آنلاین: شاید شما هم وقتی سن‌تان کمتر بود و بیشتر وقت‌تان را با تماشای کارتون‌های کودکانه یا گوش دادن به برنامه‌های رادیویی مخصوص بچه‌ها می‌گذرانید، بارها از زبان مجری برنامه یا شخصیت‌های مختلف کارتونی شنیده بودید «نوع لباس نشانه شخصیت افراد نیست!»، «لباس برای انسان ارزش و احترام نمی‌آورد» و...

با این‌که همه این حرف‌ها درست است و در جای خود ارزشمند ولی گاهی برخی از افراد، این نوع موضوعات را در کل زندگی و برای هر سن و سالی تعمیم می‌دهند. این گروه براساس همین دیدگاه، گاهی ترجیح می‌دهند لباس‌های عجیب و غریبی بپوشند. برخی از نوجوانان هم این جمله را که «لباس نشانه شخصیت افراد نیست»؛ بهانه می‌کنند و می‌خواهند هر طور که دوست دارند لباس بپوشند، لباس‌هایی که هیچ تناسبی با فرهنگ و ارزش‌های جامعه و خانواده آنها ندارد.

اگر شما هم فرزندی در دوران نوجوانی یا جوانی دارید، شاید این تجربه را داشته باشید که وقتی بچه‌ها کوچک هستند و در سن شیرخوارگی، نوع لباس‌هایشان تقریباً محدود و مشخص است؛ لباس‌های نرم، رنگارنگ، ساده و زیبا که برای دخترها و پسرها با رنگ‌ها و طرح‌هایی مختلف عرضه یا توسط مادرها و مادربزرگ‌ها دوخته می‌شود. وقتی راهی مدرسه می‌شوند و حتی تا چند سال بعد از آن هم همه چیز خوب و آرام پیش می‌رود؛ مادر و پدر برای کودک لباس می‌خرند و او هم آنها را با شادی می‌پوشد و لذت می‌برد. اما وقتی چند سال جلو برویم، کم‌کم همه چیز تغییر می‌کند و کودک دیروز یا نوجوان امروز دیگر حاضر نیست هر نوع لباسی را که برایش می‌خریم، بپوشد؛ حالا معیارهای او تغییر کرده و نظر دوستان و همسالانش برایش اولویت دارد. اینجاست که اگر والدین حواسشان جمع نباشد و تلاش نکنند با فرزندشان به تفاهم برسند، بتدریج اختلاف سلیقه به بحث و مشاجره منجر می‌شود و باید در انتظار مشکلات متعدد بعدی بود.

در این مواقع اغلب صداي پدر و مادر اوج می‌گیرد تا به فرزندشان یادآوری کنند «نوع لباس پوشیدن تو نشانه شخصیت است»؛ ولی آیا واقعا نوع پوشش افراد با شخصیت آنها در ارتباط است؟

دکتر مریم فرضی، روان‌شناس بالینی و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «جام‌جم»؛ واژه شخصیت را چنین تعریف می‌کند و توضیح می‌دهد: شخصیت به سبک‌های ویژه‌ای گفته می‌شود که هر فرد در فکر کردن و رفتارشان آنها را بروز می‌دهد؛ به تعریف دیگر، به مجموعه صفات هیجانی و رفتاری که مشخص کننده افراد مختلف در زندگی روزمره است، شخصیت اطلاق می‌شود. اما با توجه به این‌که خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کودک در آن رشد می‌کند، شخصیت هر فرد ابتدا در خانواده‌اش شکل می‌گیرد.

البته این سوال برای خیلی از پدر و مادرها پیش می‌آید که چرا همه چیز در سن کودکی خوب پیش می‌رود ولی وقتی فرزندشان به دوره نوجوانی می‌رسد، ناگهان شرایط تغییر می‌کند؟

به گفته دکتر فرضی هیچ گاه نمی‌توان رفتارهای نوجوان را فقط در فضای خارج از محیط خانه مورد بررسی قرار داد؛ به این معنی که همیشه و در هر سنی، نوعی تعامل میان کودک و والدینش وجود دارد. در واقع شیوه فرزندپروری والدین و چگونگی رفتارهای آنها می‌تواند تاثیر زیادی در این زمینه داشته باشد. دوره نوجوانی دوران تغییر است؛ علاوه بر تغییرات فیزیولوژیکی که از نظر جسمی نشان دهنده ورود به مرحله جدیدی است، تغییرات روحی و روانی مختلفی نیز در این دوره ایجاد می‌شود. اما چه عاملی می‌تواند کمک کند تا نوجوان این مرحله را بخوبی پشت سر بگذارد؟ دکتر فرضی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: الگوی مناسبی مانند والدین و همچنین شیوه پرورش و تربیت صحیح فرزند می‌تواند در این دوران به کودک دیروز و نوجوان امروز کمک بزرگی بکند.

لباس فرزندان، دغدغه والدین

یکی از دغدغه‌های والدینی که فرزندشان در سن نوجوانی است، نوع لباس پوشیدن و نحوه آرایش موهای اوست؛ آنها همیشه نگرانند و نمی‌دانند چطور می‌توانند کودک را در این زمینه راهنمایی کنند.

نکته: لباس پوشیدن نوجوانان که گاه مغایر با فرهنگ جامعه است نشان‌دهنده خود کم‌بینی است، که ثابت می‌کند آنها اعتماد به

نفس لازم را در محیط خانواده به دست نیاورده‌اند

البته به هیچ عنوان نباید تصور کرد همیشه نوجوانان لباس‌های عجیب و غریب را ترجیح می‌دهند؛ گاهی آنها لباس‌هایی را انتخاب می‌کنند که فقط کمی با آنچه والدینشان می‌پوشند تفاوت دارد ولی در شرایطی هم ممکن است نحوه لباس پوشیدنشان بسیار خاص و متفاوت باشد. اینجاست که اختلاف سلیقه‌ها شروع می‌شود و حتی ممکن است ارتباط میان والدین و نوجوان نیز به سردی گرایش پیدا کند و آنها از هم دور شوند. متأسفانه در اغلب موارد هم بحث‌ها و درگیری‌ها نتیجه رضایت‌بخش و مطلوبی ندارد.

همچنین علاوه بر این‌که نوجوانان باید‌ها و نیاید‌های شما را بدون استدلال نمی‌پذیرند، نباید فراموش کنید در این دوره تاثیر گروه همسالان بسیار بیشتر از خانواده می‌شود. بنابراین خیلی جایی تعجب ندارد اگر ببینیم نوجوانی فقط به دلیل این‌که بقیه دوستانش لباس خاصی می‌پوشند یا از آن تعریف می‌کنند، به این نوع لباس روی آورده و گرایش پیدا می‌کند.

حال این سوال پیش می‌آید که با توجه به این موارد، چه طور می‌توانیم نوجوان را متقاعد کنیم قوانین خانوادگی را بپذیرد و مطابق آن عمل کند؟ شاید بسیاری از والدین این کار را بسیار سخت و حتی غیرممکن بدانند ولی بدون شك برای این مرحله هم راه‌حلی وجود دارد.

دکتر فرضی در این زمینه به والدین توصیه می‌کند: زمانی می‌توانیم امیدوار باشیم که مشکلات ما به حداقل می‌رسد که بتوانیم یک خانواده منسجم داشته باشیم؛ به این معنی که والدین در تربیت بچه‌ها همگام و همسو با هم عمل کنند. در چنین خانواده‌ای والدین باید نظرات خود را با دلیل و منطق بیان کنند و به دیدگاه و نظر فرزندانشان هم در حد معقول احترام بگذارند. با این روش می‌توان اطمینان داشت که به نتیجه قابل قبولی می‌رسیم.

گاهی ممکن است آنچه در خانواده مطرح می‌شود با چیزی که در محیط بیرون از خانه و جامعه وجود دارد، یکسان نباشد؛ در چنین شرایطی بچه‌ها دچار تضاد و تعارض می‌شوند. متأسفانه این تضادها مانع از درونی شدن بسیاری از الگوهای خانوادگی می‌شود و بخصوص چون نوجوانان آمادگی زیادی برای همانندسازی دارند ممکن است بخواهند از هر نظر مانند فرد دیگری که به او گرایش دارند، عمل کنند. این شرایط نقطه آغاز مشکلات والدین با فرزند نوجوانشان بوده و سبب پیدایش درگیری‌هایی در خانواده می‌شود. پس دقت کنیم اگر اوضاع و رفتار خود و فرزندمان را درست مدیریت نکنیم، فرزند نوجوانمان رابطه مطلوبی با ما پیدا نخواهد کرد و چون الگوی مناسبی در خانواده نمی‌بیند، کاملاً طبیعی است که به دنبال کسب هویت مستقل، از فرد یا افراد دیگری الگوبرداری کند.

پوشش افراد همیشه با توجه به ارزش‌های حاکم بر فرهنگ جامعه تعیین می‌شود؛ پس همه ما باید بیاموزیم که نمی‌توانیم به شیوه‌ای متفاوت نسبت به جامعه و هنجارهای آن عمل کنیم. همچنین خوب است به این نکته هم دقت داشته باشیم که استفاده از پوشش مناسب نه تنها موجب ایجاد حس آرامش برای خود فرد می‌شود، بلکه می‌تواند این حس را به دیگران هم منتقل کند.

گاهی نوجوانان پوشش‌هایی را انتخاب می‌کنند که به هیچ وجه مربوط و مناسب با فرهنگ خودشان نیست و به نوعی وابسته به فرهنگ بیگانه است. این مساله کاملاً نشان‌دهنده از خودبیگانگی و خودکم‌بینی بوده و مشخص می‌کند نوجوان اعتماد به نفس لازم و کافی را در محیط خانواده به دست نیاورده است و حالا می‌خواهد از طریق پوشش‌های مختلف و متفاوت این کمبود را جبران کند. به یقین والدین با در نظر گرفتن مجموعه این شرایط، می‌توانند محیطی آرام و امن برای فرزندانشان فراهم کنند که در چنین محیطی، فرزندان تا حد زیادی به نگرش و فرهنگ خانواده نیز احترام می‌گذارند.

نیلوفر اسعدی بیگی / جام‌جم